

مصاحبه‌شونده: دکتر یوسفی

مصاحبه‌کننده: -

تاریخ مصاحبه: -

دانشکده: مهندسی مکانیک

سال ورود: ۱۳۵۵

لطفاً خلاصه ای از بیوگرافی خود را بفرمائید؟

اینجانب ورودی دوره یازدهم رشته مهندسی مکانیک در سال ۱۳۵۵ هستم. فضای دانشجویی و دانشگاه در قبل از انقلاب تفاوت‌هایی با بعد از انقلاب داشت. دانشجویان به دو دسته کلی تقسیم می شدند عده ای فقط برای ادامه تحصیل و گذراندن دوره دانشگاهی وارد دانشگاه می شدند و حساسیت و توجهی داشتند و در آن فضای قبل از انقلاب که متأثر از انقلابات جهانی بود در کنار تحصیل در صدد فعالیت های مبارزاتی و سیاسی علیه نظام نیز بودند. فعالیت های سیاسی، فرهنگی خیلی قابل تفکیک از هم نبودند. اصولاً هدف اصلی فعالیت های دانشگاهی برای دسته دوم دانشجویان سیاسی بود. از آنجا که فعالیت سیاسی علنی منجر به دستگیری می شد دانشجویان از محمل های فعالیت های فرهنگی، هنری و حتی صنعتی برای سازماندهی گروههای سیاسی بهره برداری می کردند. اداره یک کتابخانه یا گروه کوه یا گروه فیلم و عکاسی که امروزه ممکن است برای حتی فعالان دانشجویی جاذبه خاصی نداشته باشد در آن روزگار بسیار مهم و حساس و پر جاذبه بود. هریک از گروههای سیاسی مذهبی یا مارکسیستی درصدد در اختیار گرفتن این گونه امکانات مثل اتاق کوه، گروه فیلم یا عکاسی و غیره بودند. مثلاً مدیریت غالب در گروه، کوه با دانشجویان غیر مسلمان بود گرچه در برنامه های آن دانشجویان مسلمان هم شرکت می کردند. اما به تدریج دانشجویان مسلمان برای خودشان گروه کوه غیررسمی تشکیل دادند در گروه نقاشی آقای مهندس روحانی --- به

عنوان استاد بود ولی دانشجویان علاقمند مذهبی و غیر مذهبی شرکت می کردند. در آن سالها هنوز گروه‌های مارکسیست و مسلمان در مقابل هم قرار نگرفته بودند و در یک فضا علیه دستگاه ستم شاهی فعالیت می کردند. در طبقه سوم ساختمان --- (ابن سینا فعلی) یک نمازخانه وجود داشت. که بعداً به سالن شهید صفائی تبدیل شد. که پاتوق بچه مسلمانها بود. در همین نمازخانه چندین قفسه کتاب وجود داشت که عمدتاً کتابهای مذهبی را برای دانشجویان فراهم می آورد. کتابهای دکتر شریعتی شهید مطهری و سایر نویسندگان مذهبی وجود داشت. نمازهای یومیه به امامت خود دانشجویان هر روزه برگزار می شد و بین دو نماز نیز مقالات سیاسی، مذهبی قرائت می شد. این نمازخانه یکی از محمل های جذب دانشجویان جدید الورد به فعالیت های سیاسی مذهبی بود فعالیت های آن زمان و آن محیط به لحاظ کمی در مقایسه با فعالیت های فوق برنامه ای که امروزه دانشجویان انجام می دهند قابل مقایسه نبود ولی به لحاظ کیفی آنچنان دقیق و با برنامه ریزی انجام می شد که شخصیت مستقل و اعتماد به نفس را در دانشجویان شکل می داد و تقویت می کرد برنامه ریزی برای اداره کتابخانه، یا اداره نمازجماعت و رتبه مقالات بین دو نماز امروزه کار پیش یا افتاده ای به نظر می رسد ولی در فضای خفقان و پلیسی آن زمان یک کار بزرگ و انقلابی به حساب می آمد و مخاطره آمیز بود. در این گونه فعالیت ها دانشجویانی که روحیه تشکیلاتی و تیمی کار کردن را داشتند شناسائی می شدند. میزان تعهد و وفای به عهد و بطور کلی ویژگیهای اخلاقی و رفتاری آنها در این امور جزئی محک زده می شد و در یک برخورد فعال مورد اصلاح و یا تقویت قرار می گرفت. دانشجویان بر این اعتقاد بودند که اگر در کارهای به نظر کوچک بتوانند با یک اخلاق سازمانی در کنار هم فعالیت کنند در کارهای بزرگ هم می توانند با یک رفتار سازمانی مشابه کارهای بزرگتری انجام دهند. دانشجویان شهرستانی به دلیل اسکان در خوابگاه زنجان ارتباطات محکم تری در این محمل یعنی فرد برقرار می کردند. یک اتاق یعنی طبقات ۳و۲ به عنوان نمازخانه و کتابخانه خوابگاه بود که آنجا نیز مرکز فعالیت های بچه

مسلمانها بود. فعالیت ها به گونه ای انجام می شد که بچه های فعال نمازخانه شناسائی نشوند جو خفقان چنان بود که همیشه احتمال داده می شد که عوامل خبرچینی و وابسته به رژیم در بین کارکنان یا دانشجویان وجود دارند و افراد فعال نایستی شناسائی شوند. در نیمه های شب به اتفاق افرادی مثل شهید صفائی مؤذن احمد شیرزاد، علیرضانیلفروش زاده وارد نمازخانه می شدیم و در را از داخل قفل می کردیم و به رتق و فتق امور کتابخانه و برنامه ریزی برای فعالیت نمازخانه می پرداختیم. بچه مذهبی ها سعی می کردند با هم اتاق بگیرند و در داخل اتاقها برنامه های مطالعاتی مشترکی با هم داشتند کار کردن روی قرآن و تفسیر آن و همچنین مطالعه بر روی نهج البلاغه از محورهای اصلی مطالعاتی دانشجویان مسلمان آنها بود. دانشجویان غیرمذهبی نیز در اتاقهای مشترک هم اتاق بودند. آنها نیز در اداره اتاق کره، گروه فیلم و بعضی امور صنعتی دیگر فعال بودند. عمده فیلم هائی که توسط گروه فیلم نمایش داده می شد از کشور شوروی سابق در مورد و تاریخ انقلابات و مبارزات سیاسی ملت ها بود. فیلم زاپاتا در مورد مبارزات مردم مکزیک و فیلم نهضت حروفیه که سایه های عرفانی اسلامی نیز داشت از جمله فیلم هائی بود که بیادم مانده است.

آیا رژیم سابق و دانشگاه مخالفتی با نمایش اینگونه فیلم ها نشان نمی داد؟

همانطور که عرض کردم در طاهر فعالیت هائی که انجام می گرفت جنبه های هنری و صنعتی داشت ولی در واقع و محتوای دانشجویان فعال به اصطلاح یک خط سیاسی را دنبال می کردند و در صدد القاء مسائل سیاسی به مخاطبان خود بودند. بنابراین دانشگاه و رژیم نیز بطور مستقیم نمی توانستند با دانشجویان درگیر شوند زیرا باعث تحریک بیشتر دانشجویان می شدند. ولی عوامل رژیم دانشجویان فعال در اینگونه امور را شناسائی و زیر نظر می گرفتند. البته وقتی که دانشجویان علناً تظاهرات می کردند و شعارهایی علیه رژیم سر می دادند گارد مخصوص دانشگاه که در محلی واقع در ضلع جنوبی دانشگاه متنفر بودند وارد عمل می شدند و بعضی را مضروب و مجروح و بعضی را نیز دستگیر و به این ترتیب تظاهرات را سرکوب می کردند.

شما به تظاهرات دانشجویی قبل از انقلاب اشاره کردید لطفاً بیشتر در این مورد توضیح

دهید؟

دانشجویان فعال اعم از مذهبی و یا غیر مذهبی در مناسبت های مختلفی مثل ۶ آذر را دانشجویان یا به مناسبت کشتار مردم فلسطین یا اعتراض به نظام آموزشی و یا فقر و گرانی با هماهنگی با یکدیگر دست به تظاهرات می زدند. ابتدا مناسبت و دلیل تظاهرات را طی اطلاعیه هایی که با مازیک نوشته می شد و در چند محل پراکنده رفت و آمد دانشجویان مثل کتابخانه سلف سرویس و نمازخانه نصیب می کردند در ساعت مقرر که به طور مخفی به اطلاع یکدیگر می رسانند در محلی مثل طبقه اول ساختمان ابن سینا یا در ناهارخوری تجمع می کردند و شروع تظاهرات با زدن قاشق ها به میز ناهارخوری و صدای کشیدن هیس و سوت به همگان رسیده می شد و با دادن شعارها و واژه گون کردن میزهای ناهار خوری همه دانشجویان را از ناهارخوری به صحن دانشگاه می کشانیدند --- در صحن دانشگاه در حالیکه کلاسورها را روی صورت خود گرفته بودند شعار می دادند و چرخی می زدند و اگر گاردی ها به سرعت می رسید زد و خردی به وجود می آمد و یا به سرعت پراکنده می شدند تا با گارد دانشگاه درگیر نشوند. گاهی به داخل ساختمان ابن سینا وارد می شدند و صدای شعارهایی محکم دانشجویان و شکسته شدن شیشه ها توسط آنها منجر به تعطیلی کلاسها درس آن ساعت نیز می شد. وقتی که گاردیها می آمدند و دانشجویان پراکنده می شدند، گاردی ها خیلی کنف می شدند برای اینکه آمدنشان بی نتیجه نبوده باشد شروع به کتک زدن بعضی از دانشجویان می کردند. بیشتر به دانشجویانی که در آن روز از کفش اسپورت مثل کتانی استفاده کرده بودند مظنون می شدند و چند ضربه باتون حواله آنها می کردند. یکبار یادم هست که پس از متفرق شدن وارد نمازخانه در طبقه سوم ابن سینا شدیم هنوز اذان ظهر نشده بود ولی برای گمراه کردن گاردی ها شروع به نمازخواندن کردیم گاردی ها وارد نمازخانه شدند و چون می دانستند که نماز بی موقعی است هر شروع به ضرب و تقسیم ما کردند. در

سال ۱۳۵۶ با روی کار آمدن کارتر رئیس جمهور آمریکا که از حزب دموکرات بود فضای سیاسی ایران مقداری باز شد گویا این به دلیل خواست و فشار کارتر به شاه بوده است که مقداری از اختناق و فشار کم کنند. گرچه شاه مخالف این کار بود ولی چون نسبت به آمریکا متعهد بود مجبور شد که بپذیرد با ایجاد فضای باز سیاسی تظاهرات دانشجویی از محیط دانشگاه به خارج دانشگاه کشیده شد. البته قبل از سال ۱۳۵۶ دانشجویان با برنامه ریزی بسیار دقیق گاهی تظاهرات داخل دانشگاه را به خارج نیز می کشانیدند ولی خطرات اینگونه تظاهرات از تظاهرات داخل دانشگاه بسیار بیشتر بود در سال ۱۳۵۵ تظاهراتی که از محل کتابخانه مرکزی (ساختمان شهید رضائی فعلی) شروع و به محل های اطراف دانشگاه واقع در ضلع شمالی دانشگاه کشیده شد. از کوچه شمالی دانشگاه عبور کردیم وارد محله آپاچی ها شدیم محله آپاچی ها اصطلاحی بود که به حاشیه نشینی های غیر تهرانی که در منزل های محقر و فقیرانه زندگی می کردند اطلاق می شد. این محله کوچه ای بود که یک سر آن روبروی خوابگاه زنجان در می آمد و سر دیگر آن به خیابان آزادی ختم می شد. مردم ساکن خانه های ساده و فقیرانه این محل ها عموماً آذری زبانهای بودند که بصورت مهاجر در این محل ها ساکن بودند پس از عبور از جلو این محله وارد خیابانهای اطراف خوابگاه زنجان شدیم. با پیدا شدن سروکله گارد دانشگاه و نیروهای شهربانی واقع در این محله شدند دانشجویان در محله های اطراف پراکنده شدند من و دو نفر از دانشجویان که دیگر در کوچه ای سرگردان بودیم که یک ماشینی ریوی شهربانی با تعدادی گارد سر رسید و هر سه نفر ما را دستگیر کردند و به شهربانی محل وبعد از بازداشت چند ساعته ای با بستن چشمهایمان ما را به زندان اوین منتقل کردند. بعد از باز شدن فضای باز سیاسی فعالیت های دانشجویان رونق بیشتری پیدا کردند فعالان سیاسی احزاب و گروههای سیاسی نیز از این فضا در خارج دانشگاه استفاده و در مساجد و مراکز دیگر بر شدت حملات خرد علیه دستگاه افزودند. مسجد قبا و مراسم سخنرانی های ماه رمضان سال ۱۳۵۶ از مراکزی بود که دانشجویان دانشگاههای تهران در آن بطور

فعال و منسجم شرکت می کردند. سخنرانی های شهید مفتاح و مهندسی بازرگان و مهندس سخائی در فضائی از اجتماع عظیم دانشجویان انجام می گرفت مسجد علی اکبر محله هاشمی خیابان آزادی نیز محل فعالیت دانشجویان مذهبی دانشگاه صنعتی شریف بود. امام جماعت این مسجد حجه الاسلام حاج آقا رضوی بود که بعدها ما بین یزد و تهران نیز شد. و همکاری صمیمی بین دانشجویان دانشگاه و ایشان وجود داشت. نمایش های مذهبی و سیاسی در این مسجد توسط گروه تئاتر دانشگاه انجام می گرفت. از این تاریخ به بعد بود که فضای سیاسی دانشجویی به میان توده های مردم باز و کشیده شد.

بین دانشجویان امروزی و دانشجویان قبل از انقلاب را چه فرقی وجود دارد؟

امید به آئین درخشان در عین فشارهایی که در آن زمان احساس می شد در سطح بالائی برخوردار بود. آنهاییکه درس می خواندند نشاط خود را داشتند دو آنهایی که هم درس و مبارزه می کردند نیز امید و نشاط زائد الوصفی داشتند. امروز تعداد دانشجویان افزایش پیدا کرده است ولی سازندگی دانشگاه پائین تر آمده است. همانطور که عرض کردم فضای دانشگاه به لحاظ کیفی از دبیرستان بسیار متفاوت بود. اعتماد به نفس دانشجویان بسیار بالاتر از حالا بود. بطوری که چند دانشجو حتی یک دانشجو می توانست فضای خانواده فامیل حتی شهر را متحول سازد. خودش از همان سال اول دانشگاه ضمن فعالیت در دانشگاه به کمک بعضی از دوستان دانشجوی همشهری که دانشگاههای دیگر تهران درس می خواندند حرکت های انقلابی را در سطح شهرمان پایه ریزی کردیم که این محوریت تا پس از دوری انقلاب و سالها بعد از آن نیز ادامه داشت تا اینکه سایر افراد و گروهها نیز در سطح شهر فعال شدند. نسل امروز بیشتر به خانواده متکی است تا به خود. امروزه آموزش های دینی و فرهنگی زیاد شده است و حتی به عنوان کتابهای درسی دبیرستانی و دانشگاهی کیفیت این آموزشها افزایش پیدا کرده ولی عاملینی به آن کم می باشند در گذشته دانشجویان متدین و یا حتی دانشجویان غیرمذهبی سعی می کردند به آنچه که ایمان می آوردند در عمل پیاده کنند.

ایمان توأم با عمل، رفتار براساس یک ایدئولوژی دانشجویان را به تدریج به سروان بزرگی تبدیل می کرد. دانشجویان با اعتقاد خود زندگی می کردند. اعتقاداتشان از عمل وزندگی آنها جدا نبود. چون در معرض افکار و ایدئولوژی های مختلفی بودند می بایستی اعتقادات خود را به روز کنند و برای شبهات خرد جواب قانع کننده ای پیدا کنند نمی توانستند در تردید و شبهات فکری باقی بمانند. زیرا که از یک طرف در معرض افکار و ایدئولوژیهای مختلف و متضاد بودند از طرف دیگر در معرض دستگیر شدن و یا حتی کشته شدن بودند. اما امروزه اگر بسیاری از دانشجویان دچار تردید و شبهات فکری شوند مسامحتاً از کنار آن می گذرند زیرا ایدئولوژی که با آن زندگی می کنند با آموزه های دینی ممکن است متفاوت باشد. آن روزها بسیاری از برنامه های جمعی و تیمی برای تمرین زندگی کردن بود، در برنامه های گروهی کوه دانشجویان تمرین تحمل سختی ها را می کردند. رعایت حال دیگر افراد گروه از آموزشهای زندگی جمعی در کوه بود. گرچه آن روزها اصل آموزشهای زندگی بود اگر چه سلامت تن و تفریح هم حاصل می شود. ولی فکر می کنم امروزه جنبه های تفریحی و ورزشی این برنامه ها بر جنبه آموزه های زندگی غلبه دارد.

آقای دکتر قبل از بررسی انقلاب فرهنگی قدری راجع به خودتان بیشتر توضیح دهید؟

من در سال ۱۳۵۵ در رشته ریاضی نظام قدیم فارغ التحصیل شدم. در همان سال کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه شریف قبول شدم. و به خاطر مسائل و مشکلاتی که بوجود آمد اتمام دوره کارشناسی طولانی شد. در سال ۱۳۷۱ برای ادامه تحصیل عازم کشور ژاپن شدم، کارشناسی ارشد و دکتری را در کشور ژاپن گذراندم

سابقه شما در دانشگاه قبل از اعزام به ژاپن؟

اتصال و ارتباط من به دانشگاه از همان سال ۱۳۵۵ برقرار بود تا به حال. در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه شدم و دانشجو بودم. وقتی که فضاهای انقلاب فرهنگی پیش آمد مدتی ارتباط ها با دانشگاه قطع شده در نهادهای

دیگر فعالیت داشتم تا زمان بازگشائی مجدد دانشگاه همزمان با ادامه تحصیل در جهاد دانشگاهی صنعتی شریف که پس از انقلاب فرهنگی تشکیل شده بود بصورت پاره وقت و بعداً نیز بصورت تمام وقت همکاری داشتم. قبل از اعزام برای ادامه تحصیل از طرف آقای دکتر صالحی ریاست وقت دانشگاه دعوت به کار در معاونت دانشجویی شدم. در آن موقع مدیر کل امور دانشجویی شدم بعد از اتمام تحصیل و برگشت به ایران در سال ۱۳۷۹ دو سال در گروه مکانیک در دانشکده فنی دانشگاه تهران تا تابستان ۱۳۸۱ به عنوان استاد --- مشغول بودم و از سال ۱۳۸۱ تا به حال مسئولیت مرکز کارگاههای آموزشی را بر عهده دارم.

آیا همه دانشجویانی که وارد دانشگاه می شدند جذب گروههای سیاسی یا فرهنگی می

شدند؟

نه اینطور نبوده همیشه فعالیتی سیاسی یا فرهنگی در هر جمعی درصد کمی از کل آن جمعیت می باشند. در کل کشور حتی در کل دنیا درصد فعالیت سیاسی و آنهایی که علاقمند به اینگونه مدیریت ها باشند درصد کمی از کل جمعیت کشور یا دنیا می باشند. بقیه کار عادی خود را انجام می دهند. برنامه اصلی یک دانشجوی حزب درس خواندن و تحقیق کردن است امور دیگر به عنوان فوق برنامه است. البته اگر فعالیت فوق برنامه نباشد و دانشجویان از این گونه کارها در دوران دانشجویی انجام ندهند استعداد مدیریت آنها رشد نمی کرد و آمادگی لازم برای ورود به اجتماع را پیدا نمی کنند. ممکن است که حدود ۲۰٪ دانشجویان جذب فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شوند که این مقدار قابل قبول است. یک کارخانه بزرگ را یک مدیر یا یک هیأت مدیره ۵ تا ۷ نفره اداره می کنند. درحالیکه در این کارخانه ده ها یا صدها نفر مشغول کار هستند. ممکن است امروزه انتظار داشته باشیم که تمامی دانشجویان در مدت دانشجویی وارد فعالیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شوند البته هرچه تعداد دانشجویان فعال در این زمینه ها بیشتر باشد بهتر است ولی اگر همگی جذب نشدند نباید مأیوس و نا امید باشیم. مهم کسب اعتماد به نفس و تقویت استعداد کار تیمی

دانشجویان می باشد. همه دانشجویان بایستی این دو استعداد را در طول دوره دانشجویی کسب نمایند. این دو عامل، از عوامل موفقیت دانشجویان در زندگی اجتماعی آینده آنها می باشد. اکثریت گروههای دانشجویی و تنوع آنها نسبت به گذشته بیشتر شده است و توانسته بخش مهمی از دانشجویان را جذب کنند.

پس آن موقع تقریباً ۲۰٪ دانشجویان جذب فعالیت های فوق برنامه می شدند. فعالیت آنها

به ظاهر کم رنگ بود؟ بله ، همینطور بود. اصولاً فعالیت های فوق برنامه مورد تأیید دانشگاه و نظام گذشته خیلی کم رنگ بود. بیشتر دانشجویان درصدد این بودند که در کمترین زمان درس خود را به اتمام برسانند و جذب بازار کار شوند و شغل مناسبی پیدا کنند و تشکیل زندگی بدهند یا برای ادامه تحصیل به خارج بروند. آنها ئیکه می خواستند سایر فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند با زحمت بایستی وقت خود را بین اینگونه فعالیت ها و امور درسی تقسیم کنند.

در مورد انقلاب فرهنگی برایمان صحبت کنید؟ من شخصاً در فعالیت های انقلاب فرهنگی حضور

نداشتم. برای اینکه ما درگیر یک حرکت سیاسی، دانشجویی دیگری بنام تسخیر ارزنه جاسوسی (سفارت آمریکا) بودیم.